

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

دلالت جملات خبریه در مقام انشاء بر وجوب

بحث دیگری که در ادامه مباحث مربوط به صیغه امر مطرح می شود، بحث از دلالت جملات خبریه ای است که در مقام انشاء استعمال می شوند. موضوع بحث این است که اگر جمله خبریه که برای بیان اخبار از واقع و حکایت نسبت در واقع می باشد، بجای اخبار در مقام بیان حکم و انشاء قرار بگیرد، آیا همانند هیئت افعال ظهور در وجوب دارد یا خیر؟ پس این بحث در ادامه بحث گذشته مطرح می شود چون ما در بحث گذشته ثابت کردیم که هیئت افعال، ظهور در وجوب دارد و دلیل ما هم سیره عقلاء بود حال از آنجا که جملات خبریه هم گاهی در مقام بیان حکم واقع می شوند، آیا اینها هم مثل هیئت افعال دال بر وجوب هستند یا خیر؟

این بحث از آن جهت مطرح می شود که ما می بینیم در بسیاری از روایات، احکام شرعی در قالب جملات خبری بیان شده یعنی بجای اینکه با صیغه امر حکمی بیان شود، با جمله خبری گفته می شود مثلاً یغتسل یا یتوضأ یعنی بجای اینکه امر کند و بگوید توضأ، می فرماید یتوضأ و... در اینکه این جملات کثیراً استعمال شده و در اینکه قطعاً منظور از این جملات خبریه، حکایت از واقع و اخبار نیست یعنی امام علیه السلام قصد ندارد که خبری را به مخاطب برساند بلکه با این جملات، حکم شرعی را بیان می کند تردیدی نیست که این در موالی عرفیه هم اینگونه است و کثیراً اتفاق می افتد که مثلاً جمله خبریه ای در مقام انشاء استعمال می شود مثلاً پدری قصد دارد به فرزندش دستور بدهد لکن بجای اینکه بگوید این کار را انجام بده، می گوید این کار را انجام می دهی یا اینکه به شخص دیگری می گوید پسرم این کار را انجام می دهد پس در برخی از جملات خبریه قصد اخبار نیست بلکه گوینده در واقع دستور می دهد و حکمی را صادر می کند.

حال می خواهیم ببینیم که آیا این جملات خبریه مستعمله در مقام انشاء دال بر وجوب هستند یا خیر؟ آیا از این جملات لزوم فهمیده می شود یا دال بر لزوم نبوده و نه وجوب و نه استحباب استفاده نمی شود.

اقوال

اجمالاً در این بحث هم مانند هیئت افعال، نظرات مختلفی وجود دارد که عمده آن دو نظر است.

نظر اول این است که این جملات هم مثل صیغه افعال، ظهور در وجوب دارند. نظر دوم این است که این جملات دال بر وجوب و استحباب و امثال آن نیستند بلکه اگر در وجوب استعمال شوند، استعمال آنها مجازی است و اگر در استحباب استعمال

شوند، باز هم استعمال مجازی است لذا برای فهم وجوب یا استحباب از این جملات، نیازمند قرینه هستیم و چنانچه قرینه ای در کار نباشد، کلام مجمل می شود یعنی از جهت دلالت بر وجوب و استحباب، اجمال پیدا می کند.

نظر دوم به جماعتی از بزرگان مانند محقق ثانی و محقق نراقی و محقق اردبیلی نسبت داده شده و نظر اول هم نظری است که شهرت دارد. محقق خراسانی از کسانی است که معتقد است جمله خبریه اگر در مقام انشاء استعمال شود، ظهور در وجوب دارد.

دلیل اول

ما ابتدا بیان آقای آخوند را نقل می کنیم و سپس بررسی می کنیم که حق در مسئله چیست یعنی بالاخره جمله خبریه استعمال شده در مقام بیان حکم، دال بر وجوب است یا خیر؟

آقای آخوند می فرماید: نه تنها جمله خبریه ای که در مقام انشاء استعمال شده دال بر وجوب است بلکه دلالت آن بر وجوب، قوی تر از دلالت هیئت افعال بر وجوب است، یعنی ظهور آن در وجوب اقوا از ظهور هیئت افعال در وجوب است.

ایشان در واقع در اینجا دو ادعا دارد: یک ادعا اصل ظهور این جملات در وجوب است و دیگری اقوا بودن آن نسبت به هیئت افعال است. ایشان می فرماید: این نحو از جمله خبریه در همان معنایی که جمله خبریه برای آن وضع شده استعمال می شود.

جملات خبریه برای حکایت و اخبار از ثبوت یا عدم ثبوت نسبت در واقع وضع شده اند یعنی در جملات موجب، حکایت از ثبوت یک نسبت در واقع می شود و در جملات سالبه هم حکایت از عدم ثبوت نسبت در واقع می شود. این جمله چه در مقام

اخبار باشد و چه در جایی که در مقام انشاء باشد، به یک معنا است و در هر دو بحث از ثبوت یک نسبت در واقع یا بحث از عدم ثبوت نسبت است لکن دواعی آنها فرق می کند یعنی گاهی جمله خبریه در حکایت از ثبوت نسبت در واقع استعمال می

شود اما داعی او بر حکایت از ثبوت نسبت بین فعل و فاعل، حقیقتاً اعلام و خبر دادن به مخاطب است مثلاً کسی جاهل به ثبوت نسبت است و متکلم جمله خبریه ای را استعمال می کند و می گوید زیدٌ جاء یا زیدٌ یجیء؛ این در همان معنای حکایت

استعمال شده و داعی از این اخبار هم، اعلام به مخاطب است. اکثر جملات خبریه اینگونه هستند.

لکن جملات خبریه گاهی در مقام انشاء استعمال می شوند. در این موارد هم در همان حکایت یا اخبار از ثبوت نسبت در واقع استعمال شده ولی داعی او از بیان ثبوت نسبت بین فعل و فاعل در واقع بعث و تحریک مخاطب است یعنی این جمله را

می گوید که مخاطب را به سمت مقصود و مراد خود تحریک کند پس اختلاف بین این دو جمله خبریه (یعنی جمله خبریه ای که در مقام اخبار استعمال می شود و جمله خبریه ای که در مقام انشاء استعمال می شود) به داعی بر می گردد.

ایشان در ادامه می گوید: بعث و تحریک حاصل از استعمال جمله خبری در مقام انشاء، بالاتر و قوی تر و اکید تر از بعث و تحریکی است که از هیئت افعال استفاده می شود چون وقتی در مقام بعث مخاطب می گوید: این کار را انجام می دهد، یعنی

کانَّ از وقوع و تحقق مأمور به در خارج اطمینان دارد لذا به صورت خبری آنرا بیان می کند یعنی می داند که این نسبت حقیقتاً بین فعل و فاعل محقق می شود لذا وقتی می گوید فلانی این کار را انجام می دهد، مقصود او خبر دادن نیست بلکه منظور این

است که این کار را انجام بده یعنی من اطمینان دارم به اینکه نسبت بین تو و آن کار حتماً محقق خواهد شد و من کان از وقوع

این نسبت در آینده خبر می‌دهم. این انشاء است. پس وجه ظهور قوی تر آن در وجوب این است که کان از تحقق آن در خارج اطمینان دارد و چون اطمینان دارد به این نحو بیان می‌کند.

ملخص بیان ایشان این شد که این جملات در همان معنای خودشان استعمال شده اند یعنی جملات خبری در همه جا در معنای خود استعمال می‌شوند ولی اگر در مقام اخبار باشد، داعی آن اعلام خبر به مخاطب است و اگر در مقام انشاء باشد، داعی آن بعث و تحریک مخاطب است ولی اگر در مقام انشاء استعمال شود، دلالت آن بر وجوب قوی تر از دلالت هیئت افعال بر وجوب است چون وقتی به این صورت بیان می‌کند کأن اطمینان دارد به اینکه این مامور به توسط مکلف انجام می‌شود و حاکی از اهمیتی است که این مامور به نزد آمر دارد.

واقع مطلب این است که مرحوم آقای آخوند، استدلالی در اینجا اقامه نکرده است که فرق بین این دو، فقط از حیث دواعی است البته این سخن بدی نیست اما دلیلی برای این سخن اقامه نشده است.

ان قلت

آقای آخوند در اینجا یک ان قلت و قلت را مطرح می‌کند. ان قلت این است که اگر فرق بین جملات خبری در مقام اخبار و خبری در مقام انشاء، فقط از حیث داعی باشد و گفته شود که همه جملات خبری، حکایت از ثبوت نسبت در واقع می‌کنند، این در مورد جملات خبری مستعمل در مقام انشاء به مشکل برخورد می‌کند، چون یکی از خصوصیات جمله خبریه، محتمل الصدق و الکذب بودن است یعنی قابلیت صدق و کذب داشته باشد و بتوانیم بگوئیم این سخن صادق است یا دروغ است. جمله خبریه ای که در مقام اخبار بکار می‌رود، این قابلیت را دارد یعنی می‌توانیم بگوئیم راست است یا دروغ چون حکایت را با واقع مقایسه می‌کنیم که آیا بین فاعل و فعل نسبتی است یا خیر؟ مثلاً می‌گوید زیدٌ جاء و ما هم بررسی می‌کنیم که آیا اصلاً زید آمده یا خیر؟ اما در جملاتی که در مقام انشاء بکار می‌روند، چگونه مسئله صدق و کذب قابل بررسی است؟ یعنی ما چطور می‌توانیم بگوئیم که این جمله صادق است یا دروغ است؟ مثلاً زمانی که امام^۷ می‌فرماید: یغتسل؛ این به معنای این است که او این کار را می‌کند در حالیکه در این جمله، احتمال صدق و کذب نیست. این انشاء است و هنوز هیچ واقعیتی ندارد لذا ما باید با چه چیزی آن را بسنجیم که آیا صادق است یا کاذب؟ این اشکالی است که خود مرحوم آخوند در اینجا ذکر می‌کند که بالاخره این فرق قابل قبول نیست زیرا اگر این فرق پذیرفته شود، معنای آن این است که در یک قسمی از جملات خبریه، مساله صدق و کذب قابل طرح نباشد در حالی که جملات خبریه قابل صدق و کذب هستند.

قلت

خود مرحوم آخوند به این اشکال پاسخ می‌دهد. ایشان می‌فرماید: ملاک صدق و کذب در جملات خبریه، خود داعی استعمال است یعنی ما کاری به مفاد جمله خبری نداریم که خود این حکایت از ثبوت نسبت یا عدم ثبوت نسبت، آیا با واقعیت تطابق دارد یا خیر؟! اگر ملاک، خود مضمون بود ما باید می‌دیدیم که آیا این مضمون با واقع منطبق است یا خیر؟ اگر با واقع منطبق نبود، ما می‌گفتیم این کذب است و اگر هم منطبق با واقع بود، می‌گفتیم این جمله صادق است. ولی ملاک اصلاً این نیست بلکه ملاک، داعی است یعنی اگر داعی استعمال جمله خبری اخبار و حکایت از واقع باشد، در اینجا خبر محتمل الصدق

و الكذب است ولی اگر داعی، بعث و تحریک باشد نه اخبار مخاطب، در اینجا احتمال صدق و کذب نیست پس مشکلی را ایجاد نمی کند و فرق جمله خبری در مقام اخبار و خبری در مقام انشاء دقیقا به مسئله داعی برمی گردد. ایشان حتی ادعا می کند در مواردی هم که جمله خبریه به داعی اخبار گفته می شود، گاهی اخبار و اعلام، مربوط به خود مدلول خبر است مثلا کسی می گوید: زیدٌ یجیء من السفر یوم الجمعة؛ اینجا مفاد خود این خبر مورد اخبار واقع می شود ولی گاهی از مواقع خود مفاد این جمله مخرعنه نیست بلکه لازم آن مخرعنه است مثلا وقتی گفته می شود زیدٌ کثیر الرماد؛ این یک جمله خبریه است و قطعا در مقام اخبار بکار رفته ولی خبر از چه چیزی می دهد؟ خبر از کثرت رماد و خاکسترهای منزل او یا خبر از کثرت مهمان؟ روشن است که خبر از کثرت میهمان می دهد لکن حال ملاک صدق و کذب این خبر در اینجا چیست؟ ملاک صدق و کذب در اینجا، مفاد و مضمون این خبر یعنی کثرت رماد نیست بلکه لازم آن مورد نظر است که عبارت از جود و سخاوت یا کثرت میهمان است. پس گاهی صدق و کذب با مفاد خود خبر لحاظ نمی شود بلکه با لازم خبر لحاظ می شود.

بنابراین گمان نکنید که اگر جمله خبری در مقام انشاء بکار رفت، دیگر قابلیت صدق و کذب به عنوان یک معیار از بین می رود.

خلاصه آن که اشکال این بود که وقتی گفته می شود معنای جمله خبریه در مقام اخبار و جمله خبریه در مقام انشاء، هر دو یکی است و هر دو در حکایت از ثبوت نسبت در واقع استعمال می شوند، این به این معنا است که ما احتمال صدق و کذب را به عنوان یک معیار به کنار گذاشتیم در حالی که اینچنین نیست. به نظر ایشان جمله خبریه ای که در مقام اخبار بکار برود قابلیت صدق و کذب دارد و جمله خبریه ای که در مقام انشاء بکار رود، قابلیت صدق و کذب ندارد و این قابلیت داشتن و نداشتن، ربطی به معنای این دو ندارد زیرا معنا در هر دو یکی است و اختلاف به داعی بر می گردد. یعنی اگر داعی اخبار باشد، قابلیت صدق و کذب دارد و اگر هم داعی بعث و تحریک باشد، دیگر در اینجا قابلیت صدق و کذب ندارد. اصل نظر مرحوم آخوند و اشکالی که خود ایشان به این نظر ایراد کردند را ملاحظه فرمودید. در ادامه باید بررسی کنیم که آیا این مطلب، تمام است یا اینکه باید راه دیگری را جستجو کرد که در جلسه بعد به آن خواهیم پرداخت.

«الحمد لله رب العالمین»